

نفت خلیج فارس پس زمینه سیاست خارجه آمریکا

منبع: پیک نت، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۲

گفت و گویی با نوام چامسکی

■ شعاری که ما در راهپیمایی صلح به طور مکرر شنیدیم "خون برای نفت، نه" بود. اغلب به مسئله نفت به عنوان عامل اصلی در حمله آمریکا برای اشغال عراق اشاره می شود. تا چه حد نفت مسئله ای محوری در استراتژی ایالات متحده است؟

□ بدون شک نفت مسئله ای محوری به شمار می رود. فکر نمی کنم کسی در این مورد شک داشته باشد که منطقه خلیج فارس عمده ترین منطقه تولید نفت در جهان است. انتظار می رود که این ادعا تا نسل آینده درست باشد. از این نظر منطقه خلیج فارس از جنگ دوم جهانی به بعد از آنچنان اهمیتی برخوردار بوده است. این منطقه منبع عظیم قدرت استراتژیک و ثروت مادی به شمار می آید و عراق به طور قطع در مرکز آن قرار دارد. این منطقه دومین ذخایر نفت را در خود دارد. دستیابی به این ذخایر بسیار ساده و در عین حال با قیمت ارزان می باشد. برای کنترل عراق باید در موضع قوی قرار داشت تا هم قیمت نفت و هم میزان تولید آن را - که نه باید بالا باشد و نه پایین - تعیین کرد. در عین حال، احتمالاً باید سیاست های اوپک را نادیده گرفت و در دنیا به مانور دست زد. این سیاست از جنگ جهانی دوم جاری بوده است. این مسئله به خصوص ربطی به دستیابی نفت ندارد؛ ایالات متحده صرفاً قصد "دستیابی" به آن را ندارد، بلکه این سیاست به "کنترل" نفت برمی گردد. مسلماً اگر عراق در جایی مثل افریقای مرکزی قرار داشت، آمریکا آن را برای آزمایش انتخاب نمی کرد. بنابراین نفت این منطقه در پس زمینه سیاست های آمریکا قرار دارد، درست مثل نفتی که در مناطق آرام آسیای مرکزی قرار دارد. از این رو در دست داشتن کنترل لزوماً به معنای عملیات نظامی در زمان مشخص نمی باشد. این سیاست، سیاستی پیوسته و دائمی است.

■ سندی از سوی وزارت امور خارجه در باره نفت خاورمیانه در سال ۱۹۴۵ منتشر شده که می گوید: "نفت خاورمیانه پدیده ای شگفت آور در محاسبه قدرت استراتژیک و یکی از مواهب مادی تاریخ جهان به شمار می آید." ایالات متحده ۱۵ درصد نفتش را از ونزوئلا وارد می کند. این کشور همچنین از کلمبیا و نیجریه نفت می خورد. هر سه کشور مذکور از دیده و اشنگتن کشورهای مسئله دار و نامود شده اند. با وجود هوگو چاوز در ونزوئلا و درگیری های داخلی تا سر حد جنون در کلمبیا و شورش مردم در نیجریه، آمریکا معتقد است که جریان نفت با تهدید روبه رو شده است. نظر شما در مورد این واقعیات چیست؟

□ این واقعیات درست است و این کشورها در مناطقی وجود دارد که ایالات متحده عملاً در صدد دستیابی به آنهاست. ایالات متحده در صدد "کنترل خاورمیانه" است. با این حال دست کم اساس برنامه ریزی منابع اطلاعاتی، ایالات متحده مایل است روی چیزی حساب کند که منابع پایدار حوزه آتلانتیک نامیده می شود (حوزه آتلانتیک به معنی غرب افریقا و نیمکره غربی) که تحت کنترل بیشتر آمریکا، در مقایسه با خاورمیانه قرار دارد و منطقه ای حادثه خیز به نظر می آید. بنابراین برنامه ریزی یادشده کنترل خاورمیانه را در حالی در نظر دارد که به حوزه آتلانتیک به عنوان حوزه ای در دسترس می اندیشد. این سه کشور که از آنها نام بردید، در این حوزه قرار دارند. بنابراین در صورت عدم وجود تداوم در دستیابی به منابع این سه کشور و احساس تهدید در این مورد، شاید ماجرای عراق در این کشورها نیز تکرار شود. البته به شرط آن که طرح های بنیادگرایان در عراق با موفقیت روبه رو شود.

در مورد قدم های بعدی می توان احتمالات متعددی را در نظر گرفت. یکی از آنها البته منطقه "آند" است. ایالات متحده پایگاه های نظامی متعددی در این منطقه دارد و از نیروهای نظامی در این پایگاه برخوردار است. کلمبیا و ونزوئلا (به خصوص ونزوئلا) تولیدکننده های بی رقیب نفت هستند. در ضمن می توان اکوادور و برزیل را به آنها اضافه کرد. بله، این امکان وجود دارد که ایالات متحده پس از سلطه اش بر نقاط دیگر جهان به سراغ این

دیوید یارسامیان،
روزنامه نگار و برنامه ساز
مترقی رادیو آمریکا در
گفت و گویی با نوام چامسکی
استاد جامعه شناسی در
انستیتو تکنولوژی
ماساچوست، به گذشته
دکترین تازه بوش و زمان
مطرح شدن این دکترین در
دوران ریاست جمهوری جان
اف کندی اشاره می کند و در
مصاحبه خود راجع به نفت و
ایران نیز مطالبی مطرح
می کند.
بخش هایی از این گفت و گورا
که به ایران مربوط می شود
می خوانید:

منطقه هم بیاید. امکان دیگر هم حمله به ایران است.

■ من هم در مورد ایران همین نظر را دارم. ایالات متحده از سوی شارون که به عنوان 'مرد صلح' لقب گرفته تحت فشار قرار دارد تا "روز پس از پایان دادن به غائله عراق به ایران حمله کند." نظرتان درباره ایران به عنوان عضوی از محور شرارت و همچنین کشوری که ذخایر عظیم نفتی دارد، چیست؟

□ تا آنجا که به اسرائیل مربوط می‌شود، عراق هرگز مسئله مهمی نبوده است. آنها عراق را نوعی سرریل می‌دانند، اما ایران داستانی دیگر است. ایران کشوری است با ارتش و اقتصاد جدی تر و سال‌های متمادی است که اسرائیل، امریکا را برای حمله به ایران تحت فشار قرار داده است. ایران برای حمله از سوی اسرائیل کشور بسیار بزرگی به شمار می‌رود، بنابراین از برادر بزرگ‌تر می‌خواهد تا این کار را برایشان انجام دهد.

بنابراین حمله امریکا به ایران بسیار جدی است. یک سال پیش گزارش شد که ده درصد نیروی هوایی اسرائیل به طور دائمی در شرق ترکیه که پایگاه‌های عظیم امریکا قرار دارد مستقر شدند. از آن به بعد نیروی هوایی اسرائیل بارها حریم هوایی ایران را نقض کرده است. علاوه بر این گزارش‌های موق حاکمی از آن است که ایالات متحده، ترکیه و اسرائیل تلاش می‌کنند تا نیروهای ناسیونالیست آذری در شمال ایران را به ورود به آذربایجان ایران تحریک کنند.

در حال حاضر محوری متشکل از امریکا، ترکیه و اسرائیل در منطقه وجود دارد که مخالف ایران هستند و ممکن است در نهایت ایران را تجزیه و یا به آن حمله نظامی کنند. با این همه، حمله نظامی در ایران زمانی صورت خواهد گرفت که کشورهای یادشده از عدم توانایی این کشور در دفاع از خود مطمئن شوند. آنها به کشوری حمله نخواهند کرد که توان دفاع از خود را داشته باشد.

■ با وجود حضور نظامی امریکا در افغانستان و عراق، داشتن پایگاه از سوی این کشور در ترکیه و آسیای مرکزی، ایران عملاً از هرسو به محاصره در آمده است. آیا واقعیت‌های فوق، نیروهایی در داخل ایران را وادار به تولید سلاح‌های هسته‌ای نمی‌کند؟ البته اگر تا به حال نکرده باشد.

□ این امکان قویاً وجود دارد. شواهد انکارناپذیر نشان می‌دهد که بمباران راکتور عراق توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۱ احتمالاً موجب تشویق عراق به تولید سلاح‌های هسته‌ای گردید. آنها درگیر ساخت نیروگاه هسته‌ای شدند، کاری که کسی از آن خبر نداشت مگر یک فیزیکدان هسته‌ای در هاروارد که رئیس بخش فیزیک این دانشگاه بود. او تحلیل خود را در این مورد در مجله‌ای به نام Nature به چاپ رساند. براساس تحلیل وی، آنچه که در عراق ساخته شد، یک نیروگاه اتمی بود. او در این زمینه دارای نظر کارشناسانه است. دیگر منابع مربوط به تبعیدیان عراقی تأکید کرده‌اند که عراق اهمیت چندانی نداشته است. عراقی‌ها شاید مشغول بررسی امکان تولید انرژی هسته‌ای بودند، اما بمباران راکتور اتمی عراق، عراقی‌ها را تشویق به دنبال کردن برنامه سلاح‌های هسته‌ای نمود. امکان ثابت کردن این ادعا وجود ندارد، اما همه شواهد دال بر این واقعیت است. این امکان می‌تواند درست باشد. آنچه که شما در مورد ایران گفتید قویاً امکان‌پذیر می‌باشد. اگر شما راه بیفتید و بگویید که "بین ما قصد داریم به شما حمله کنیم" و کشورهای تهدیدکننده بدانند که شما قادر به دفاع از خود با سلاح‌های معمولی نیستید، این کشورها عملاً شما را در تولید سلاح‌های کشتار جمعی و به‌راه انداختن شبکه‌های تروریستی تشویق کرده‌اند؛ این قضیه کاملاً روشن است. به همین دلیل است که سیا و دیگران توانسته‌اند چنین پیش‌بینی‌هایی را در مورد ایران انجام دهند.



در حال حاضر
محوری متشکل از
امریکا، ترکیه و
اسرائیل در منطقه
وجود دارد که مخالف
ایران هستند و ممکن
است در نهایت ایران را
تجزیه و یا به آن
حمله نظامی کنند. یا
این همه، حمله نظامی
در ایران زمانی
صورت خواهد گرفت
که کشورهای یادشده
از عدم توانایی این
کشور در دفاع از خود
مطمئن شوند. آنها به
کشوری حمله
نخواهند کرد که توان
دفاع از خود را داشته
باشد

